

این تحقیق

حضور اعلیحضرت

پیشکش میشود، سبب آن در آخر تحریر آمده است

الگوی ایران

جامعه جهانی و لیبی

امیر فیض - حقوقدان

بیشتر رویدادها و تحولات جهانی و حتی زندگانی انسانها الگوهایی است که سابقه اجرایی داشته و در حالت تکامل و بیاتطبیق باموقعیت زمان و مکان شکل اجرایی یافته است.

ریچارد هاس مدیر موسسه تحقیقاتی شورای روابط خارجی آمریکا^۱ در سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ در ۱۴ فروردین سال جاری در برنامه سی ان ان گفت:



«ممکن است بعد از سقوط قذافی گروه‌های افراطی اسلام‌گرا در لیبی قدرت را بدست بگیرند و دولت مرکزی قادر نباشد که امور لیبی را اداره کند از آنجا که غرب در کنار مخالفین قذافی قرار گرفته احتمال درگیری بین مخالفین قذافی برای رسیدن به قدرت خیلی زیاد است» (ریچارد هاس Richard N. Haass در مورد انقلاب مصر هم مطالبی گفته است که دقیقاً واقع شده است)

در فروردین سال جاری که خبر مزبور انتشار یافت هنوز موضوع لیبی رسانه ای نشده بود بهمین دلیل از اظهار نظر ریچارد هاس تعجب کردم که چگونه ممکن است یک کشور عضو سازمان ملل در مسیر سقوط بوسیله کشورهای غربی قرار گیرد و یک حکومت اسلامی جایگزین حکومت سکولار لیبی بشود.

چند روز پیش که خبر موفقیت جامعه جهانی در براندازی حکومت لیبی منتشر شد و خبرگزاریها از امکان روی کار آمدن حکومت اسلامی در لیبی خبر دادند و رئیس شورای انقلابی لیبی هم که یک مسلمان تبعیدی **در انگلستان** بوده علاقه خود را به برقراری **حکومت اسلامی** در لیبی اعلام کرد تعجب من از آن جهت فراتر رفت که چگونه در ۵ ماه قبل که هنوز حکومت قذافی در لیبی برقرار بوده نه تنها سقوط آن بوسیله غرب پیشبینی بلکه نوع حکومت بعدی هم تعیین گردیده است.

رسیدم به این حقیقت که ریچارد هاس پیش بینی نظری نکرده بود، بلکه با آگاهی از **تصمیم کشورهای بزرگ عضو جامعه جهانی** و اجلاسی که در لندن با حضور نمایندگان انگلیس و فرانسه و آمریکا و آلمان تشکیل شده بود تصویر آینده لیبی را ترسیم کرده بود ریچارد هاس میدانست که برای کمک به رفع بحران مالی و بیکاری کشورهای اروپایی خاصه ایتالیا حمله نظامی به لیبی و نابود کردن همه ساختارهای آن کشور نفتی لازم است یعنی بکار بستن یک قاعده معمولی.

¹ - Richard N. Haass, President, Council on Foreign Relations

یکی از روزنامه های آلمانی نوشت: «کشورهای شرکت کننده درحمله به لیبی مطامع خاصی دارند که درروی همه آنها یک هدف مشترک وجود دارد و آن کمک به رفع بحران اقتصادی کشورهای اروپایی است» و یک روزنامه خارجی دیگر نوشت: «ناتو باهدف تخریب زیربنای صنعتی لیبی دراین جنگ ماموریت داشته تا برای کشورهای اروپایی میدان کار فراهم سازد».^۲

پرفسور < سانتی > استاد دانشگاه ایتالیا گفت: «تلاشهای فرانسه درانقلاب لیبی از طریق مسلح کردن گروههای مزدور باقصد دستیابی به منافع نفتی لیبی است که دولت فرانسه بعداز ملی شدن نفت لیبی بدنبال انقلاب سال ۱۹۶۹ از دست داد»

آقای میشل شوسوکی مدیرپژوهش های جهانی سازی درمونترآل کانادا نوشت <ذخایر نفتی لیبی عامل اصلی هجوم به لیبی است. لیبی انبارنفت آفریقابشمارمیرود مقدار ذخایر نفتی لیبی دوبرابر ذخایرنفتی آمریکاست. عملیات لیبی بخشی ازبرنامه سیاسی نظامی آمریکاست که باهدف دستیابی به ۶۰ درصد نفت جهان تنظیم شده است. نفت لیبی خالص ترین نفت جهان است و روزانه یک میلیون و پانصد هزار بشکه به اروپا صادرمیکند. حمله به لیبی پیامد های اقتصادی مهمی برای آمریکا وکشورهای مهاجم خواهد داشت.> نویسنده مزبور اضافه کرده است «یکی از اهداف مهم آمریکا درحمله به لیبی خروج شرکتهای نفتی چینی است که باتعداد ۴۰۰ متخصص و ۳۰ هزارکارگرچینی درلیبی فعال هستند واین برای واشنگتن یک مداخله چین درامورآفریقااست»، ودرپایان مطلبی نوشته که حساسیت مارابه مسئله لیبی والگوی آن برای ایران موجب میشود نوشته است: <لیبی جزء کشورهایانی است که زیر نفوذ آمریکانیست واز قبول درخواستهای پنتاگون خودداری کرده است>

این اشارات بدان جهت بنیاز آمد که آنچه برلیبی رفته وبقیه اش هم خواهد رفت مسائل سیاسی و منافع اقتصادی است نه رعایت حقوق بشر ویاتامین آزادی.

تحولات بین المللی درروابط کشورها

نظربه اینکه حقوق بین الملل مجموعه ای از تحولات واجرانیات بین کشورهاست که سنت ورویه حقوقی ناظر به عمل کشورهاراتشکیل میدهد و نظر به اینکه جریان لیبی تحولاتی بسیار تازه وغیرقابل انتظار درروابط بین کشورهابوجود آورده که کشورمانیز نمیتواند ازآن درامان باشد دراین تحریر، به اتفاق به تحولات مزبور نگاه میکنیم وبه مصداق بیت

ریش همسایه چون تراشیدند ریش خود آب زن که نوبت تست

به این حقیقت نزدیک میشویم که تحولات درروابط کشورها وبکاربستن آن درمورد لیبی کپی والگونی است که درآینده همواره مورد استفاده جامعه جهانی! علیه کشورهایی که درخط غرب نیستند بکار گرفته میشود ودرکلامی ساده همانطور که ریش لیبی راتراشیدند ریش کشورهای دیگر راهم به همان نحوخواهند تراشید.

تا کنون به اعتبار صراحت اعلامیه جهانی حقوق بشر جامعه جهانی! از تظاهرات ومخالفتی علیه حکومت ها حمایت میکرد که مخالفین، از تظاهرات واقدامات بدون خشونت استفاده کنند وهمینکه ثابت میشد که مخالفین مسلح اند جامعه جهانی باب حمایت از مخالفین رامسدود میساخت ومسئله رایک موضوع داخلی وقانونی میدانست، ولی درکمال تاسف تحولات لیبی این محدودیت رابکل برداشت ومخالفین مسلح حکومتها نه تنها مبارزه آنها تائید بلکه تسلیح مخالفین به سلاح های پیشرفته واعزام کارشناسان نظامی وداوطلبان اجیرشده بصورت یک تصمیم جامعه جهانی! درآمد واز آنجا که اقدامات کشورهای آمریکا وانگلستان وفرانسه وایتالیا وسایر کشورهای دراجلاس < دوستان لیبی > درپاریس تائید شد درکمال تاسف این شیوه ناپکارانه، جای نامانوسی درروابط وحقوق بین الملل بوجود خواهد آورد که کاملاً خلاف منشور سازمان وروابط حقوق بین کشورهای بوده است.

^۲ - در گذشته هرگاه اقتصاد جهانی به مخاطره می افتاد اجبار به جنگ جهانی میبود (تجربه دو جنگ پیشین)، امروزه بجای آن ملت ها را بجان هم می اندازند ویا مردم کشور ها را بشورش وا می دارند تا کار و سرمایه های کشور جای جامعه به اصطلاح جهانی بگردش بیافتد (بخوانید بیلدبرگ)، ح-ک

مفسر سیاسی بی - بی- سی در رابطه با تحولات لیبی مطلبی دارد که تائید نگرانیهای بالاست میگوید:

«لیبی اکنون نمونه والگوی تازه ای برای روند جنبشهای عربی شده است و نخستین جنبشی است که بامداخله مستقیم خارجی به ثمر رسیده است و پتانسیل آنرا دارد که الگویی از موفقیت شود. جنبش لیبی همچنین ومدار ارتش خارجی است.»

قطعنامه شورای امنیت سازمان

قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت درباره لیبی مشخصاتی روشن دارد که شامل موارد زیر است:

الف - ارجاع پرونده مسؤلین لیبی به دادگاه برای تحقیق واتهام جنایتکاران جنگ

ب- ایجاد حریم هوایی برای نیروی هوایی لیبی

پ-تحریم صادرات و واردات کالاهای نظامی به بنادر لیبی و حق بازرسی کشورها

ت- ممنوعیت ۱۴ نفر از سران لیبی به مسافرت خارج از جمله قذافی

ث- ضبط اموال و سرمایه و منابع مالی واقتصادی قذافی ودختر وپسرهای او در کلیه کشورهای جهان

بند الف: قطعنامه مزبور هنوز در دایره اجرا قرار نگرفته است.

بند ب: که ایجاد حریم ممنوعه پرواز است، و بدین منظور پیاده شده است که قذافی نتواند علیه شهروندان بی دفاع از هواپیما استفاده کند تبدیل شد به تهاجم وسیع هوایی به تمام تاسیسات اقتصادی ونظامی و بندری و صنعتی لیبی که کشتار بسیاری از مردم رادری داشت و بنابراین اظهار «مینیچکو» حقوقدان مشهور روسی «قطعنامه شورای امنیت اجازه بمباران لیبی را هرگز نداده است» ۲۰۱۱/۴/۱۳

رئیس جمهوری استرالیا که در اجلاس دوستان لیبی در پاریس شرکت نکرد در سخنرانی خود در استکهلم گفت: «قطعنامه بجای حمایت از مردم لیبی بطرفداری از گروههای خاصی اقدام کرده است»

بنوشته روزنامه آمریکائی در همان هفته اول حمله ناتو به لیبی کلیه هواپیماها و پایگاه های هوایی و بنادر و کشتی های لیبی از بین رفته است - ولی هنوز فعالیت هوایی وبمباران لیبی توسط ناتو ادامه دارد.

پوتین نخست وزیر روسیه ماهیت قطعنامه مزبور را در حمایت از اقدام نظامی علیه لیبی شبیه دعوت به جنگهای صلیبی در قرون وسطی دانست همچنین او گفت ناتو بدنبال نفت لیبی است.

وزیر خارجه روسیه گفت:

«ماتوانستیم همکاران غربی خودمان راقانع کنیم که قطعنامه اجازه اقدام نظامی علیه لیبی رانداده است ولی همکاران ما عقیده دارند که قطعنامه اجازه هر اقدامی رابهرکشوری علیه لیبی داده است»

در رابطه باهمین اظهارات وزیر خارجه روسیه، خانم سوزان رایس سفیر آمریکا در سازمان ملل، رسماً اعلام کرد که «شورای سازمان ملل متحد اجازه توسل به زور راعلیه دولت قذافی داده است»

مفسر بی - بی - سی گفت: «این قطعنامه نخستین قطع نامه ای است که به کشورها اجازه حمایت نظامی از مخالفین حکومت رامیدهد»

این شواهد نشان میدهد که قطعنامه ها صورت مسئله نیست؛ بلکه بهانه تفسیر است حال کدام مرجع بین المللی میتواند مفهوم صحیح قطعنامه را ارائه دهد، تا به این فکر برسند قال قضیه کنده شده است ونوشدارو بعد از مرگ سهراب است.

مصطفی جلیل، رئیس شورای انقلابی لیبی، به شبکه تلویزیونی الجزایر گفت: «انجام حملات هوایی علاوه بر اجرای منطقه ممنوعه پرواز برای توقف رژیم قذافی مهم و ضروری است»^۳

مقصود از استناد به اظهارات مصطفی جلیل این است که خودسری های غربی ها همواره بازمینه سازی از طرف عوامل آنها همراه است و در این جریان میتوانیم به درخواست های **مکرر سران جنبش سبز** در خارج از کشور رجوع کرد که «رونوشت برابر با اصل است» و اگر در مقابل اعتراض به بمباران لیبی از سوی ناتو، ناتو اعلام کند که بمباران لیبی بر اساس درخواست مخالفین قذافی بریاست همین مصطفی جلیل که امروز رئیس شورای انتقالی لیبی است انجام شده چه جای اعتراضی باقی است؟

یادمان باشد که شورای امنیت در مقدمه قطعنامه خود میگوید: «شورای امنیت خشونت اعمال شده از سوی دولت قذافی را علیه مردم بی دفاع از مصادیق نقض حقوق بشر دانسته و آنرا محکوم میکند و بعد به صدور قطعنامه مبادرت کرده است.

یعنی بهانه نقض حقوق بشر است! که به نابودی لیبی و استقرار حکومت اسلامی در آن کشور کشیده شد و این چنین بهانه ای با چنین واکنشی تاکنون در جهان حقوقی سابقه نداشته است و این در واقع شتری است که همه جا میتواند بخوابد و اول همه در ایران ما.

دارائی لیبی و یا قذافی

بند آخر قطعنامه شورای امنیت متوجه مصادره اموال متعلق به قذافی و فرزندان اوست در حالیکه کشورهای اروپایی همه دارائی های لیبی که متعلق به ملت لیبی است ضبط کرده اند و این چنین اقدامی در جهان کاملاً بیسابقه است.

«آقای اوباما در ۲۵ فوریه سال جاری با امضای یک حکم تمامی اموال و دارائی های دولت لیبی - نمایندگی ها- نیروهای فعال - عوامل واسطه - نهاد های تحت اختیار بانک مرکزی لیبی در آمریکا و دیگر موارد تحت اختیار ویا کنترل آمریکائی ها و نیز افراد سرشناس لیبی را مصادره کرد» (ان - بی - سی تفسیر سیاسی)

حاشیه - حقی که رئیس جمهوری آمریکا در این قبیل مصادره ها دارد همان است که در فقه تشیع به حاکم وقت (امام) داده شده است؛ که امام یعنی حاکم وقت حق دارد اموال هر کس را مصادره و به هر کس و بیابیت المال بدهد. خمینی به اعتبار همین حق فقهی اموال بسیاری را مصادره و بخشی از آنرا به افرادی منتقل کرد (پایان حاشیه)

استناد به دستور اوباما بدین جهت است که می بینیم مصادره فقط نسبت به اموال شخص قذافی و فرزندان او نیست دولت لیبی در آمریکا ۳۴ میلیارد و در سایر کشورها ۵۰ میلیارد دلار دارائی دارد عجیب تر آنکه از آنجا که گفته شده خانواده قذافی در نفت لیبی هم سهمی داشته کشورهای مهاجم به لیبی تصمیم دارند که نفت لیبی را هم مصادره کنند.

استوارت لوی عضو ارشد امنیت ملی و وحدت اقتصادی آمریکا برای مشروعیت دادن به عمل آمریکا نوشت: «دولت آمریکا حق دارد تاقسمتی از اموال و دارائی های مسدود شده لیبی را که مصادره کرده از آن در بازسازی لیبی استفاده کند»

جراند خبر دادند که دولت انگلیس دو میلیارد دلاری که بدستور حکومت لیبی در حال چاپ کردن آن بود آنرا به شورای انتقالی لیبی خواهد داد. آیا این اسکناسهای در جریان چاپ هم جز دارائی فرزندان لیبی بوده است؟

چه کسی باور میکند که کشورهای مهاجم به لیبی که عموماً گرفتار بحران شدید اقتصادی هستند سرمایه های مصادره شده لیبی را به آن کشور پرداخت کنند. آنها صورت حسابهای بابیست و سی برابر واقعیت برای حمایت از ریل ها (Rebels) (معترضین مسلح) ترتیب میدهند و پولها و دارائی های مصادره شده ملت لیبی را بالا خواهند کشید و یک

^۳ - آقای علی میرفطروس همراه با دیگران در نامه ای به سناتور لیندسی گراهام از حمله نظامی آمریکا به ایران استقبال کرد و به او شادباش گفت. ح-ک

صورت حساب هم برای آزادی لیبی میدهند و علاوه برچند پایگاه نظامی تا ابد هم سوار مردم لیبی میشوند نمونه عراق و مطالبه خسارت آمریکا از عراق.

روز ۳۰/۸/۲۰۱۱ گفته شده است که کمیسیون مشترک جمهوریخواهان و دموکراتها اعلام کرده است که دولت آمریکا ۳۰ میلیارد دلار پولهای پیمانکاری رادردهه اخیر درافغانستان و عراق به هدر داده است چند روز قبل هم خبری بود که ۱۴ میلیارد از بودجه آمریکا درعراق گم شده است. معلوم نیست که سرخرج آن کجاست!؟

درسال ۲۰۱۰ روزنامه <البینه الجدیده> نوشت دیوان محاسبات عراق اعلام کرد که وزارت دفاع آمریکا درطول اشغال عراق ۹ میلیارد دلار از نفت این کشوراختلاس کرده ودراین باره توضیحی هم حاضر نیست بدهد این درحالی است که دیوان محاسبات عراق ۵ سال است که پیگیر موضوع است وبدون جواب مانده.

کشورهای مصادره کننده اموال مردم لیبی چندرغازی جلوی ربل های (Rebels) بی وطن نوکرخودشان می اندازند وبقیه راهم بالامیکشند.

روز اول سپتامبر بی- بی سی گفت که <مقامهای آمریکایی میگویند که نمایندگان شورای انتقالی درهفته های اخیر **درخفا** مشغول دیدارباآمریکانها و اروپانها هستند> واینهم شاهد مقصود که این خود لیبیانی هاستند که برای سرسپردگی و ابراز وفاداری ونوگری با آمریکانها و اروپانها درخفا تماس میگیرند (قابل تطبیق باایرانی های خانن).

غربیها روزگاری بسر مردم وکشور لیبی خواهند آورد که بمراتب سیاه تر از آنچه برعراق رفت ومیرود خواهد بود چراکه غربی هاتجربه درغارت کردن عراق پیدا کرده اند هم اکنون گفته میشود که گروههایی برای دستبرد به موزه های لیبی درلیبی فعالند.

خبرگزاری ها از تکه تکه شده صد ها جسد در بیمارستان ها که مسولین آن فرار کرده اند خبر داده اند. چرا جسد ها تکه تکه ومتلاشی شده است؟ به خبرجهانی شدن بازار فروش کلیه وکبد وقلب که بوسیله اسرائیلی ها رواج یافته رجوع کنید. تجربه آنها درکشتار فلسطینی ها وعراقی ها درلیبی هم کارساز شده است. درجنگ که کسی فرصت لاشه کردن اجساد راندارد مگر باهدف سرقت قطعات بدن مقتول - یقین بدانید که ترور دانشمندان لیبی شروع شده ویاخواهد شد یعنی همان برنامه ای که توسط اسرائیل درعراق صورت گرفت. بنا بر اعلام روزنامه تایمز ۲۴/۹/۱۳۸۹ وسایت ویکی لیکس ومركز بین المللی خدمات صلح عراق ۳۵۰ کارشناس اتمی و ۲۰۰ استاد دانشگاه عراق بوسیله اسرائیل ترور شده اند.

بدعت بزرگ وخوفناک

بدعت بین المللی بسیار خطرناک درجریان لیبی این است که درکنفرانس پاریس به کشورهایی که درحرکت نظامی علیه لیبی نقشی نداشته اند سهمی دربازسازی لیبی داده نمیشود وقراراست درماه سپتامبر اجلاسی به همین منظور درلندن تشکیل شود وبه همین دلیل است که روسیه وچین با آنکه به قطعنامه تحریم لیبی رای موافق ندادند معهدا شورای انتقالی لیبی رابرسمیت شناختند تااز قافله عقب نمانند.

حاشیه - درحقوق اسلامی هم این حق وجوددارد که غنایم جنگی به کسانی که درجنگ شرکت ندارند تعلق نمیگیرد این رویه دربین حیوانات وحشی هم جاری است گرگان وحشی که به یک شکارحمله میکنند اجازه نمیدهند گرگانی که درحمله شرکت نداشته اند درشکار شریک شوند مگر برای خرده ریزها (پایان حاشیه)

این چنین ضابطه ای درحقوق بین الملل بی سابقه است و بجای اینکه سازمان ملل قیمومت لیبی بهم ریخته راعهده دارشود کشورهای متنفع وعامل ویرانی لیبی خودشان راقیم لیبی ساخته اند.

مفسر بی - بی - سی در رابطه باقیمومت کشورهای متجاوزبه لیبی وتصمیمی که دراجلاس دوستان لیبی گرفته شده اینطور نوشته است:

دولتهایی که در این روزها از توانایی وامکانات خود برای باز سازی لیبی دم میزنند در واقع خبراز سرمایه گذاریهای پرسودی در آینده میدهند و به کشورهایی که در قضیه لیبی وارد نشدند و یا مخالفت کردند کنایه میزنند که چه بهایی برایشان خواهد داشت»

خطر این ضابطه این است که در آینده هرتهاجمی که از طرف کشورهای بزرگ برکشور دیگری صورت گیرد برای اینکه کشورها به حاشیه رانده نشوند در حمله نظامی به کشور مورد تجاوز شرکت خواهند کرد. در تطبیق مورد حتی همین روسیه و چین و ترکیه هم در حمله احتمالی آمریکا و اقمارش به ایران مشارکت خواهند نمود.

پیشکش حضور اعلیحضرت

این تحقیق بدان سبب افتخار تقدیم یافت که اجازه میدهد استدعای حاضر به حضور اعلیحضرت تقدیم گردد:

نظر به اینکه اعلیحضرت «بطور مرتب با سران و قانونگذاران کشورها در سراسر جهان دیدارهای خصوصی و عمومی دارند تا از سرنوشت هموطنان، انهار آگاه سازند (برگرفته از پرسش و پاسخ ژوئیه سال جاری)

و نظر به اینکه در کمال تاسف باور فکری و اعتقادی اعلیحضرت بر این نادرستی آشکار، متمرکز **تلقینی** است که جامعه جهانی باید از مبارزه علیه جمهوری اسلامی حمایت و حتی ابراز عقیده میفرمایند که بدون دخالت و حمایت جامعه جهانی هیچ معجزه ای روی نخواهد داد و نظر به اینکه الگوی لیبی یک ضابطه اجرایی در مورد چگونگی دخالت و کمک و حمایت جامعه جهانی از کشورهای دیگر است لذا این استدعای میهنی صورت تکلیف و قانونی پیدا میکند که اعلیحضرت در ملاقات های مستمرشان با روسای کشورها بطور کلی و اصولی دخالت کشورها در امور داخلی کشورها و مبارزات آزادیبخش ملت های اسیر را محکوم و با سکوت خودشان به رویه حقوقی غیر انسانی جامعه جهانی در لیبی مهر تانید نزنند.

اعلیحضرت فراموش نفرمایند تا آنجا که سوابق موجود نشان میدهد فقط ۴ بار از جامعه جهانی درخواست کمک و اقدام علیه حکومت قذافی شد آنهم از سوی یاغیان (ربلز) (Rebels) ولی با حیرت توام با انزجار از سوی کسانی که شهرت ایرانی دارند صدها بار این درخواست شوم تجدید شده است که تمامی آنها بنحوی، از تاکیدات نماد ملت، مظهر استقلال و شرافت ایرانی یعنی اعلیحضرت برخوردار است.

حساسترین لحظه تاریخی هم اکنون است که اعلیحضرت با محکوم کردن دخالت کشورها در امور کشورها بنحوی شایسته و روشن از اصرارهای ناموجه سابقه در لزوم دخالت و حمایت و کمک جامعه جهانی به مبارزه آزادیبخش ایرانیان بر آنت حاصل بفرمایند.

امیرفیض